

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۱

چین: توسعه نظام کاپیتالیستی و تأمین هژمونی امپریالیستی؛ پشت پرده اعتیاد امریکا به جنگ

جنگ های امپریالیستی که امریکا به جهان تحمیل کرده است، باعث فجایع و زیان ها و خسارت های غیر قابل
تصوری به کشورهای مربوطه شده اند.



در سال ۲۰۱۷ میلادی بود که مرکز تحقیقات در زمینه جهانی سازی مستقر در کانادا که یک سازمان رسانه ای و تحقیقاتی مستقل محسوب می شود، مقاله ای منتشر کرد با عنوان «امریکا از جنگ جهانی دوم تاکنون، بیش از ۲۰ میلیون نفر را در ۳۷ کشور قربانی کشته است». بمب های اورانیوم ضعیف شده ای که در مقیاس وسیع توسط امریکا و در جنگ های این کشور علیه یوگسلاوی و عراق استفاده شدند، آسیب های گسترده ای به سلامتی مردم محلی وارد کرده اند.

سؤال اینجاست که چرا امریکا تا این اندازه به جنگ معتاد است؟

از دوران معاصر، جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن شیوه تولید سرمایه داری بوده و در این بین انباشت سرمایه بزرگ ترین نیروی محرکه برای توسعه و رشد چنین تولیدی محسوب شده است. همزمان با کاهش سود حاشیه، جنگ به ابزار نهائی جهت تحقق بخشیدن به انباشت سرمایه تبدیل می شود و این انباشت سرمایه به هدف اصلی جنگ افروزی مبدل می گردد. جنگ ها مسیر را برای توسعه اقتصادی هموار می سازند. بازار تعیین کننده جنگ است و میدان های نبرد بازار ایجاد می کنند و این است ارتباط دیالکتیکی حاکم بین جنگ و اقتصاد تحت شیوه تولید سرمایه داری.

یک جنگ قابل کنترل داخلی می تواند باعث تحریک تقاضا و نهایتاً ارتقاء توسعه اقتصادی گردد. این جنگ ها در خارج نیز می توانند محدودیت های موجود در زمینه توسعه و گسترش سرمایه داری را بشکنند تا به گسترش و انباشت جهانی سرمایه کمک کنند.

شرکت های سرمایه دار در تلاش برای باز کردن و توسعه یافتن به سمت بازارهای جدید هیچ رحمی ندارند. قدرت های غربی اغلب جنگ ها را نه به دلیل این که ذاتاً شرورند بلکه به دلیل ماهیت و ذات سودجو و سرمایه طلبشان به راه می اندازند.

امریکا بزرگ ترین کشور کاپیتالیست جهان است و انباشت سرمایه این کشور بزرگ ترین نیروی محرکه سیاست گذاری های خارجی آن محسوب می شود؛ امریکا ذاتاً نسبت به سایر تمدن های غیر غربی احساس برتری می کند و بنابراین هنگام اعلام جنگ علیه کشورهایی که اکثراً غیر سفید پوست هستند، احساس گناه ندارد. از طرف دیگر، تضادهای موجود بین قشرهای مختلف در امریکا روز به روز حادتر می گردد و بنابراین، جنگ های خارجی به عنوان ابزار مهمی برای انتقال مشکلات داخلی امریکا به سرزمین های دور دست به حساب می آیند.



تاریخ امریکا تقریباً از تاریخ جنگ های خارجی آن قابل تشخیص نیست. گزارش های زیادی منتشر شده اند که نشان می دهند از زمان تأسیس امریکا در سال ۱۷۷۶ میلادی، این کشور بیش از ۲۲۰ سال درگیر جنگ بوده است. امریکا در بازه زمانی ۱۹۹۱-۱۹۴۸ در ۴۶ مداخله نظامی مشارکت داشته و این در حالیست که تعداد این جنگ های امریکا در بازه زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۲ چهار برابر شده و به ۱۸۸ عدد رسیده است.

دلیل اصلی راه اندازی جنگ از سوی امریکا خدمت به توسعه سرمایه داری است و این در حالیست که این هدف امریکا اغلب به نام دفاع از دموکراسی و آزادی و حقوق بشر پوشش داده می شود.

امریکا در طول قرن بیستم و تا قرن بیست و یکم، مکرراً از قدرت نظامی و منابع اطلاعاتی اش برای براندازی دولت هایی که از دفاع از منافع امریکائی ها سر باز زده اند، استفاده کرده است و از آنجائی که میدان های نبرد در کشورهایی غیر سفید پوست بوده اند، امریکائی ها نه تنها هیچ احساس گناهی بابت بی رحمی هایشان نکردند بلکه بابت سودهائی که به جیب می زدند، جشن می گرفتند.

بعد از وقوع حملات تروریستی ۱۱ سپتمبر بود که امریکا دو جنگ به اسم مبارزه با تروریسم در خاورمیانه به راه انداخت. در ظاهر اینطور به نظر می رسد که هدف از راه اندازی این جنگ ها مقابله با تروریسم از سوی امریکاست اما باید گفت که هدف واقعی آنها نابود کردن نظام های ضد امریکائی در منطقه بود.



از همه مهم تر توجه به این نکته است که جنگ های مدعیانه ضد تروریستی امریکا جنگ های اقتصادی با هدف به دست آوردن منابع بوده اند. برای مثال، گزارش ها حاکی است امریکا تقریباً ۱ تریلیون دالر ذخایر معدنی دست نخورده در افغانستان کشف کرده است.

حمله امریکا به عراق نیز به خاطر نفت بود. بسیاری از مقامات امریکائی نیز به این حقیقت اعتراف کرده اند از جمله «چاک هیگل» وزیر دفاع اسبق این کشور که در سال ۲۰۰۷ میلادی گفت: «مردم می گویند که ما برای نفت نمی جنگیم. البته که ما در حال جنگ برای نفتیم.»

نظامی گری و جنگ طلبی به نفع امریکا نیست. از آنجائی که حفظ توسعه سرمایه با ابزار جنگ روشی خطرناک و پرهزینه محسوب می شود، این ضرورت وجود دارد که جنگ به عنوان یک شیوه کسب و کار و تجارت، به شیوه ای ارزان و کم هزینه به پیروزی ختم شود.

حقیقت این است که امریکا اساساً به دنبال رسیدن به دستاوردهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی از جنگ هایش بوده اما عاقبت در باتلاقی از جنگ گرفتار شده و نهایتاً یک سیاه چاله بی نهایت بزرگ ایجاد کرده که قدرت ملی امریکا را تحلیل برده است.

نتیجه حضور نظامی ۲۰ ساله امریکا در کابل افغانستان این روزها به سوژه تمسخر کل جهان تبدیل شده و اینجاست که تمامی جنگ طلبان مشتاق به حفظ هژمونی و سلطه جوئی امریکا باید افغانستان را به عنوان یک هشدار در نظر بگیرند.